



۲۰۱۶/۰۸/۳۰



بیدا قمر کرزی

بیاد داکتر اکرم عثمان



با تأثر و تألم عمیق خبر وفات جناب محترم داکتر اکرم عثمان را شنیدیم سخت مغموم شدم، مثل اعضای فامیل محترم شان، رفقا، دوستان، آشنایان، و ارادتمندان اش، به همه از ته دل تسلیت عرض میکنم و صبر جمیل از بارگاه ایزد متعال استدعا دارم، روح مرحومی را شاد و آرام میخوام و بهشت برین جایگاه اش باد. متأسفانه من در سفر بودم و نتوانستم سطری چند در باره ای این شخصیت بزرگ فرهنگی، ادیب، نویسنده شهیر و توانا مینگاشتم

وظیفه خود دانستم تا ازین مرد نیکو سیر که رفتن اش ضیاع جبران نا پذیر در مجموع و دنیای ادب و نویسندگی است، بطور خاص یادی کنم.

هرگاه اسمی از داکتر اکرم عثمان برده میشود کلمات و واژه های مثل متانت، اصالت، خرد، تواضع، اندیشه، فرهنگ ادب، صداقت، قناعت، احساس والای بشردوستی، ضمیر روشن و آگاه که شخصیت و کرکتر عالی داکتر اکرم عثمان را ساخته و با نام او عجین شده در نظرم مجسم میشود

ازین واژه بر می آید که نیکو سیر بوده از جهل و تعصب سخت درد مند و اندوهگین میشد، خشونت و عقده گشایی را نمی شناخت. درد، فقر، بی عدالتی و بیسوادی جامعه، درد جانگدازی را در وجودش شعله ور میساخت، دشنام آذیت، زجر دادن و حتی امر کردن و فرمانروایی را هرگز نمی پسندید. داستان های پر بارش گلایه ها از تضاد های اجتماعی، درد، فقر و رنج داشته که با واقعیت آنرا به تصویر میکشید و از بیان حقایق هرأس نداشت.

نوشته های شور انگیز و الهام بخش اش ورد زبان هاست آشفته گیها، نا ملایمتی های روزگار را چنان ماهرانه با زبان و کلام پر حلاوت و شیرین دری باهم میبافت که خواننده و شنونده را با تمام احساس و درک اش در عمق جامعه غوطه ور میساخت

تا خود پدیده ها را لمس و احساس کند. استواری و پختگی کلام اش را هر ادب شیفته و قلم بدست تحسین میکند. صدای زیبا و مکروفونی داشت با پخش از ورای امواج رادیو دل انگیز تر، و دلپذیر تر مینمود آهنگ آرام صدایش بگوش راحت بخش بود با طبیعت آرام، آداب و حسن اخلاق در قلوب مردم جا گرفته مورد احترام، ستایش و اعتماد بود

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دلپکني د ليکنيزي بڼي پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليزلو مخکي په خير و لولئ

با چنین خُلق و چنین رسم که او را گویند فرشته است همانا که نباشد پنهان

جایش در میان دوستدارانش خالی است اما یادش را گرامیداریم روح اش خشنود باد
پارچه شعری از رهی معیری که برای سنگ مزارش نوشته بمطالعه شما دوستان میگذارم:

بیاد داکتر اکرم عثمان

الا، ای رهگذر، کز راه یاری
قدم بر تربت ما، می گذاری
در اینجا، شاعری غمناک خفته است
رهی در سینه این خاک خفته است
فروخته چو گل، با سینه چاک
فروزان آتشی، در سینه خاک
بینه مرهم ز اشک داغ مارا
بزن آبی بر این آتش، خدا را
به شب ها شمع بزم افروز بودیم
که از روشندلی، چون روز بودیم
کنون شمع مزاری نیست مارا
چراغ شام تاری نیست ما را
سُراغی کن زجان درد ناکی
برافکن پرتوی، بر تیره خاکی
زسوز سینه، با ما همراهی کن
چو بینی عاشقی، یاد رهی کن

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پاروالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خبر و لولئ